

## بررسی جغرافیای جرم در کلان‌شهرهای ایران: مطالعه موردی شهر تهران

سارا اشکیتی

فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران

نبی خداکرمی<sup>۱</sup>

استادیار حقوق جزا، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۷/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۹/۲۰

### چکیده

بررسی جغرافیایی نخستین کوشش علم جغرافیا در باب تحلیل رابطه میان محیط و رفتار انسان است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که معماری و شهرسازی بر میزان وقوع جرم تأثیر دارد. محیط‌های شهری کم‌تردد، تاریک و غیرقابل رؤیت مانند حاشیه شهرها معمولاً به محل تجمع معتادان، محل مناسبی برای خرید و فروش مواد مخدر و اموال مسروقه تبدیل می‌شود. پدیده جرم یکی از بزرگ‌ترین مشکلات اجتماعی و از خطرناک‌ترین آفت‌های ممکن است، با مروری بر تاریخ در می‌یابیم پیشگیری از جرم در تاریخ عمدتاً به مفهوم پیشگیری از تکرار جرم بوده نه پیشگیری از وقوع جرم. آنچه در بررسی جغرافیایی جرائم شهری اهمیت دارد، رابطه فضا و محیط شهری با رفتارهای اجتماعی از نوع منفی و ناهنجار آن است. هدف اصلی این مقاله عبارت است از بررسی و تحلیل نقش مؤلفه‌های محیطی کلان‌شهرهای ایران به ویژه تهران در وقوع آمار جرم در آن‌ها است. سؤال اصلی مقاله این است که نقش مؤلفه‌های محیطی کلان‌شهرهای ایران به ویژه تهران در وقوع آمار جرم در آن‌ها چگونه است؟ فرضیه‌ای را که برای تحلیل و بررسی این سؤال در صدد آزمون آن هستیم این است که برخی مؤلفه‌های محیطی کلان‌شهرهای ایران به ویژه تهران وقوع جرم را تسهیل کرده است. روش انجام این تحقیق با توجه به موضوع و اهداف و شیوه گردآوری اطلاعات به صورت توصیفی - تحلیلی و از طریق بررسی متون قانونی و نظریات حقوقدانان و فقهای در خصوص موضوع حاضر است. بر این اساس جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و مراجعه به پایگاه‌های داده و جستجوی اینترنتی مقالات دارای درجه علمی معتبر و به روز رسانی شده خواهد بود. ابزار گردآوری اطلاعات به صورت فیش‌برداری و بانک‌های اطلاعاتی است. روش تجزیه و تحلیل در این مقاله به صورت کیفی و استدلالی خواهد بود. بدین شیوه که متغیرهای موضوع را مورد بررسی قرار داده و ضمن توصیف و تحلیل داده‌های گردآوری شده به صورت نظامند به تبیین ابعاد مختلف موضوع پرداخته و با گذار از آنچه هست به آنچه باید باشد، داده‌ها مورد استدلال قرار می‌گیرند.

واژگان کلیدی: جغرافیای جرم، کلان‌شهرهای ایران، شهر تهران.

## مقدمه

بررسی جغرافیایی نخستین کوشش علم جغرافیا در باب تحلیل رابطه میان محیط و رفتار انسان است. بر اساس این رویکرد، اوضاع محیط طبیعی (اقلیم) نقشی تعیین کننده در ادراک، احساس و رفتار مجرمانه انسان دارد. بررسی‌های متکی به روش علمی و مبتنی بر اصول و روش‌های آماری درباره محیط جغرافیایی و جرم برای اولین بار در نیمه اول قرن نوزدهم به وسیله کتله و گری صورت گرفت است. برخی منابع کتله را پدر آمار جنایی و از جمله پایه‌گذاران مکتب جغرافیای جنایت معرفی کرده‌اند و گفته می‌شود که تحقیقات او باعث شده تا جرم به عنوان یک پدیده اجتماعی تابع دو متغیر زمان و مکان شناخته شده شود. سیر تکوینی شکل‌گیری علم جغرافیای جرم و جنایت از گذشته تا به امروز در طی سه دوره خلاصه می‌شود: دوره اول: تأثیر عوامل محیطی چون آب و هوا، باد، دما، عرض جغرافیایی، کوه، دشت و دریا و... در رابطه با کج‌روی‌های بشری، موضوع مطالعات جغرافیای جرم در این دوره رات شکل می‌دهد. در واقع این مطالعات با رویکردی جبرگرایانه، ناهنجاری‌های اجتماعی را به عوامل محیطی نسبت می‌دهد (Bayat, 2008: 22).

دوره دوم: گری و کتله در سال ۱۸۳۳ نخستین پژوهش‌های علمی جغرافیای جرم را با بهره‌گیری از اندیشه‌های اکولوژی اجتماعی انجام دادند. کتله به کمک اعداد و ارقام، رابطه بین جرم و برخی متغیرهای اجتماعی، اقتصادی و محیطی را نشان داد. این روند به وسیله متفکران مکتب اکولوژی اجتماعی شیکاگو در اوایل قرن بیستم ادامه یافت و برخی متغیرهای جمعیتی (ساخت جنسی و سنی) و اقتصادی (درآمد) و مشخصه‌های مکانی (مشخصات مناطق و محل سکونت مجرمان) را به آن اضافه کردند. دوره سوم: از دهه ۱۹۹۰ علاقه و توجه فزاینده‌ای به پژوهش‌های مربوط به مکان و جرم در محافل علمی جهان صورت گرفته است. به نظر می‌رسد که موارد زیر مهم‌ترین دلایل این توجه بوده است:

الف- افزایش قابل توجه میزان جرم و جنایت و ناهنجاری‌ها در اکثر شهرهای جهان.

ب- پیشرفت‌های فنی ابزارهای پژوهش جغرافیا.

ج- توسعه علمی نظریه‌های مکانی جرم در بررسی‌های جغرافیای جرائم شهری. با بررسی جغرافیای جرم به نظر می‌رسد چهار عامل کلیدی قانون، مجرم، قربانی جرم و مکان جرم در شکل‌گیری کانون‌های جرم خیز در نقاط مختلف جغرافیایی از مهم‌ترین عوامل است. آنچه مسلم است برخی مکان‌ها به دلیل ساختار کالبدی خاص و همچنین ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی ساکنان آن، امکان و فرصت بیشتری برای وقوع جرم دارند. در نقطه مقابل، برخی مکان‌ها مانع و بازدارنده فرصت‌های مجرمانه هستند و همین امر موجب می‌شود تا بزهکاران در انتخاب محل جرم خود، به دنبال کمترین و مناسب‌ترین فرصت‌ها و شرایط مکانی برای ارتکاب عمل مجرمانه باشند؛ بنابراین شناسایی فرصت مکانی به وجود آورنده و تسهیل‌کننده این فرصت‌ها و ارائه رهنمود برای تغییر این شرایط و تبدیل آن به فضاهای مقاوم در برابر ناهنجاری‌های اجتماعی از مهم‌ترین اهداف بررسی‌های جغرافیای جرم در شهرها محسوب می‌شود (Bianlou and Mansourian, 2006).

در وقوع جرم، وجود سه عنصر ضروری است: اول؛ فردی که مستعد ارتکاب جرم است و تحت تأثیر عوامل مختلف آمادگی دارد جرمی را مرتکب شود. دوم؛ بزه دیده یا قربانی. سوم؛ موقعیت و فضایی است که امکان وقوع

جرم را فراهم می‌کند. جغرافیای جرم ناظر بر عنصر سوم است. در این بخش کاری نداریم که چه عاملی موجب سوق دادن یک مجرم به سمت جرم شده است. تمرکز بر این فضا و محیط مناسبی است که امکان دسترسی مجرم به قربانی را برای وقوع جرم مهیا کرده است. در طراحی شهری باید فضای قابل دفاع وجود داشته باشد یعنی رؤیت پذیر و تحت نظارت و کنترل قرار داشته باشد. حال این کنترل می‌تواند کنترل اجتماعی، کنترل از طریق دوربین‌های مداربسته یا سیستم‌های حفاظتی باشد. طراحی یک شهر امن و ایمن یعنی شهری که شهروندان از صبح تا شب بتوانند در محیط‌های قابل رؤیت و نظارت اجتماعی تردد کنند و به سادگی قربانی جرم نشوند. در بسیاری از کشورها شورای شهرسازی، تحت نظارت شورای پیگیری جرم قرار دارد. طراحی شهری امن ویژگی‌هایی دارد که کمتر در کشورمان به آن توجه می‌شود (Pourahmad et al. 2003).

بررسی‌ها نشان می‌دهد که معماری و شهرسازی بر میزان وقوع جرم تأثیر دارد. محیط‌های شهری کم‌تردد، تاریک و غیرقابل رؤیت مانند حاشیه شهرها معمولاً به محل تجمع معتادان، محل مناسبی برای خرید و فروش مواد مخدر و اموال مسروقه تبدیل می‌شود. در حالی که در محیط‌های رؤیت پذیر معمولاً مجرمان دست به چنین اعمالی نمی‌زنند. در حال حاضر در کشورمان با مشکل حاشیه‌نشینی روبه‌رو هستیم؛ آمارها نشان می‌دهد ۱۵ میلیون نفر در حاشیه زندگی می‌کنند، اینجاست که بحث جغرافیای جرم مطرح می‌شود که چقدر حاشیه شهرها برای جرم مناسب است. در پژوهش‌های مختلف مشخص شده است که رابطه مستقیمی بین شرایط اجتماعی و اقتصادی و محله‌های جرم خیز وجود دارد. در واقع محله‌هایی که شهروندان کم درآمد در آن زندگی می‌کردند محله‌هایی متراکم یا حاشیه‌نشین هستند و جرم و جنایت بیشتر از محله‌های دیگر اتفاق می‌افتد. بیشتر زندانیان به همین محله‌ها تعلق دارند، حتی نوع جرم و جنایت در این محله‌ها با محله‌های مرفه‌نشین متفاوت است و جرم‌های کثیف در این گونه محله‌ها بیشتر اتفاق می‌افتد. از جمله شهرهایی که میزان جرائم آن قابل توجه بوده و به دلیل مرکزیت کشوری و ویژگی الگو بودن آن نیاز به توجه بیشتری در این زمینه دارد، کلان‌شهر تهران است. تحلیل فضا و جغرافیای کلان‌شهر، ابزاری فنی محسوب می‌شود که اجازه می‌دهد تا شناخت زنده‌تر و بامعناتری از یک شهر و ساکنان آن داشته باشیم (Tavassoli, 2002). هدف اصلی این مقاله عبارت است از بررسی و تحلیل نقش مؤلفه‌های محیطی کلان‌شهرهای ایران به ویژه تهران در وقوع آمار جرم در آن‌ها است. سؤال اصلی مقاله این است که نقش مؤلفه‌های محیطی کلان‌شهرهای ایران به ویژه تهران در وقوع آمار جرم در آن‌ها چگونه است؟ روش انجام این تحقیق با توجه به موضوع و اهداف و شیوه گردآوری اطلاعات به صورت توصیفی-تحلیلی و از طریق بررسی متون قانونی و نظریات حقوقدانان و فقهای در خصوص موضوع حاضر است. بر این اساس جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و مراجعه به پایگاه‌های داده و جستجوی اینترنتی مقالات دارای درجه علمی معتبر و به روز رسانی شده خواهد بود. ابزار گردآوری اطلاعات به صورت فیش‌برداری و بانک‌های اطلاعاتی است. روش تجزیه و تحلیل در این مقاله به صورت کیفی و استدلالی خواهد بود. بدین شیوه که متغیرهای موضوع را مورد بررسی قرار داده و ضمن توصیف و تحلیل داده‌های گردآوری شده به صورت نظام‌مند به تبیین ابعاد مختلف موضوع پرداخته و با گذار از آنچه هست به آنچه باید باشد، داده‌ها مورد استدلال قرار می‌گیرند

## رویکرد نظری

امروزه جغرافیدانان توجه ویژه‌ای به جرائم شهری و مکانیسم‌های مؤثر بر آن داشته‌اند. آنچه در بررسی جغرافیای جرائم شهری اهمیت دارد، رابطه فضا و محیط شهری با رفتارهای اجتماعی از نوع منفی و ناهنجار آن است. در واقع، این موضوع که طی چند دهه اخیر به مطالعات جغرافیای شهری افزوده شده است، چارچوب عملی برای تحلیل فضایی و مکانی جرم و مطالعه رابطه ناهنجاری‌ها با فضا و زمان را در محدوده شهرها فراهم می‌نماید (Kalantari, 2000: 63). در زمینه پراکندگی جرائم شهری و رابطه تراکم جمعیت با نوع و میزان جرائم شهری نظریه‌ها را می‌توان در سه دسته اصلی تقسیم‌بندی نمود:

### ۱- نظریه کانون‌های جرم خیز

اصطلاح کانون‌های جرم خیز نخستین بار توسط شرمن، کارتین و برگر در سال ۱۹۶۹ و برای تحلیل مکانی بزهکاری استفاده شد. این واژه بیانگر یک مکان یا محدوده جغرافیایی است که میزان بزهکاری در آن بسیار بالاست. حدود این مکان می‌تواند بخشی از یک شهر، یک محله، چند خیابان مجاور و حتی ممکن است یک خانه یا یک مجتمع مسکونی باشد. برخی نیز در تعریف کانون‌های جرم خیز آن را معادل مکان‌های کوچک با تعداد جرم زیاد قابل پیش‌بینی، حداقل در یک دوره زمانی یک ساله دانسته‌اند (Abbasi Varaki, 2008: 57).

مرکز کاهش بزهکاری متعلق به وزارت انگلستان، کانون‌های جرم خیز را به شرح زیر توضیح داده است: یک ناحیه جغرافیایی که در آن وقوع بزه از حد متوسط بالاتر است و یا ناحیه‌ای که وقوع بزهکاری در آن نسبت به توزیع جرم در کل ناحیه متمرکزتر است. مطابق این تعریف کانون‌های جرم خیز محدوده‌های مشخص و معینی است که سهم زیادی از کل جرائم در کل محدوده مورد مطالعه را در خود جای داده است (Kalantari & Tavakkoli, 2007: 4).

### ۲- نظریه ارتباط جرم با تراکم جمعیت

مطابق این مفهوم، افزایش جرم و جنایت رابطه مستقیمی با افزایش تراکم جمعیت دارد. در سال ۱۹۶۸ آنگلز در بررسی جرائم خیابانی کالیفرنیا ارتباط بین جرم و تراکم جمعیت را اثبات نمود. وی همچنین معتقد به وجود افزایش جرم و تراکم فعالیت‌ها در خیابان‌های شهر شد (Durkheim, 1987).

### ۳- نظریه‌های بوم‌شناختی و جمعیتی

نظریه بوم‌شناختی و جمعیت‌شناختی مکتب شیکاگو توسط جامعه‌شناسانی چون پارک و برگس مطرح شد. آن‌ها در تبیین انحرافات اجتماعی بر متغیرهایی که با پدیده شهرنشینی ارتباط داشت (مانند زبان، قومیت، مهاجرت، منطقه‌های سکونت و تراکم جمعیتی) تمرکز کردند. جامعه‌شناسان مکتب شیکاگو از آغاز قرن بیستم، برخی از رفتارهای انحرافی مانند خودکشی، طلاق و فحشا را در شهر شیکاگو بررسی کردند و هدفشان درک تأثیر عوامل جمعیت‌شناختی، مانند: سن، بعد خانوار، تراکم و مهاجرت و عوامل بوم‌شناختی، مانند: قومیت، نژاد و محل سکونت بود. آن‌ها بر بی‌سازمانی اجتماعی تأکید کرده، جرم بزهکاری را مورد مطالعه ویژه قرار دادند (Pour Mousavi et al. 2011: 64).

صاحبان نظر در بررسی جغرافیایی انواع جرائم و رفتارهای اجتماعی به تأثیر عوامل کلیدی مجرم، قربانی، مکان جرم توجه می‌کنند. نقش عوامل مکانی و شرایط محیطی در پیدایش ناهنجاری رفتاری و ارتکاب بزهکاری دارای اهمیت بیشتری است. در سال‌های اخیر بررسی عوامل محیطی - کالبدی تسهیل کننده بزهکاری، در جهت ایمن‌سازی فضاهای شهری در برابر جرم در میان طراحان، برنامه‌ریزان و مسئولان شهری به طور گسترده‌ای مقبولیت یافته است. مدافعان این رویکرد معتقدند با آسیب‌شناسی فضاهای شهری و برنامه‌ریزی محیط کالبدی می‌توان بزهکاری، احساس ناامنی و ترس از جرم را می‌توان کاهش داد و کیفیت زندگی را ارتقا بخشید (Dickens, 1997).

### کلان‌شهرهای ایران و معضل جرم

کلان‌شهر عنوانی است که درباره شهرهای بزرگ و پرجمعیت به کار می‌رود. کلان‌شهر معمولاً از یک شهر مرکزی و تعدادی شهر اقماری تشکیل شده است. به کلان‌شهر، مادر شهر هم گفته می‌شود. کلان‌شهرها معمولاً از اهمیت سیاسی، اقتصادی، بازرگانی و فرهنگی فراوانی برخوردارند و از مراکز مهم اقتصادی و تجاری هر کشور محسوب می‌شوند. همچنین امکانات ورزشی، فرهنگی، آموزشی و گردشگری بسیاری دارند؛ به همین دلیل هم پذیرای گردشگرهای دیگر شهرها و کشورها هستند (Rabani and Vahida, 2002).

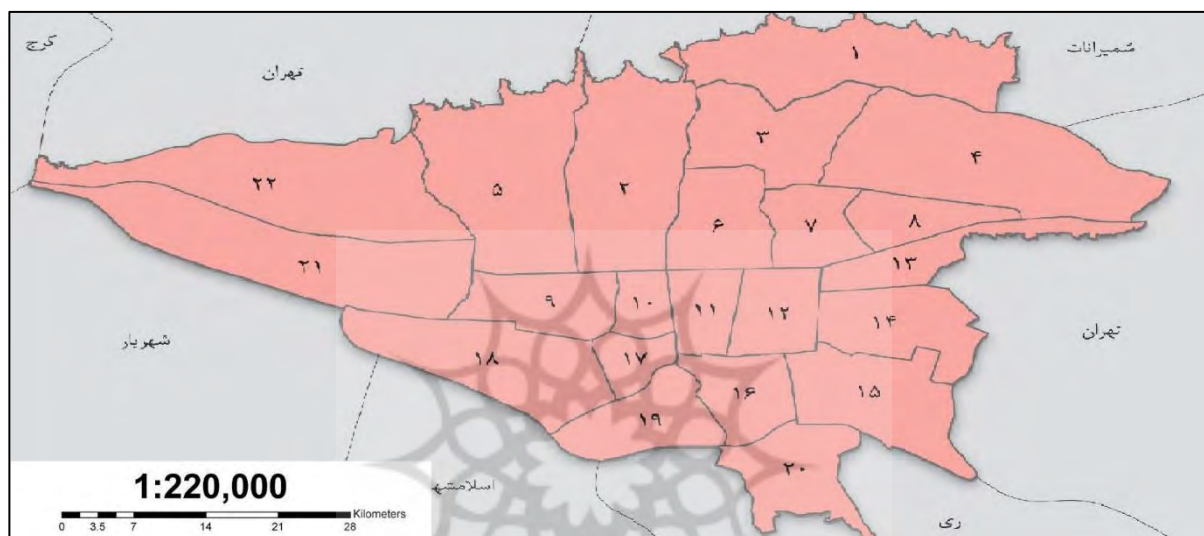
جدول ۱- فهرست شهرهای میلیونی ایران بر اساس سرشماری ۱۳۹۵

ردیف	جمعیت	شرح
-	۷۹۹۲۶۲۷۰	جمعیت کل کشور
۱	۸۱۳۷۵۱۰	تهران
۲	۳۳۷۲۶۶۰	مشهد
۳	۲۲۴۳۲۴۹	اصفهان
۴	۱۹۷۳۴۷۰	کرج
۵	۱۸۶۹۰۰۱	شیراز
۶	۱۷۷۳۰۳۳	تبریز
۷	۱۳۰۲۵۹۱	اهواز
۸	۱۲۹۲۲۸۳	قم
۹	۱۰۸۳۸۳۳	کرمانشاه
۱۰	۱۰۴۰۵۶۵	ارومیه

Source: (<https://www.amar.org.ir>)

شهرنشینی با سرعت بالایی در ایران به پیش می‌رود. در واقع ایران سریع‌ترین نرخ شهرنشینی در جهان را دارد. در ۱۹۸۰ کمتر از نیمی از ایرانیان در مناطق شهری زندگی می‌کردند. در ۲۰۱۰، ۶۵/۵ درصد از جمعیت ایران شهرنشین محسوب می‌شدند که این آمار در سال ۲۰۳۰ به ۷۷/۹ درصد خواهد رسید. در سال ۲۰۱۰ میلادی ایران دارای ۸ شهر با جمعیتی بالاتر از یک میلیون نفر بود. در سال ۲۰۳۰ این تعداد به ۹ خواهد رسید. تهران پر جمعیت‌ترین شهر کشور است که در سال ۲۰۱۰ ۷/۴ میلیون نفر ساکن داشت که سه برابر شهر پر جمعیت بعدی یعنی مشهد بود. در ۲۰۳۰ جمعیت تهران به ۸ میلیون نفر خواهد رسید و از هر ده نفر ایرانی شهرنشین یک نفر در تهران زندگی خواهد کرد. تمامی شهرهای بزرگ ایران تا ۲۰۳۰ افزایش جمعیت خواهند داشت اما انتظار می‌رود شهر کرج با ۳۹/۴ درصد رشد بیشترین مقدار افزایش جمعیت را به خود اختصاص دهد. بعد از کرج شهرهای ارومیه و مشهد بالاترین نرخ رشد را تا ۲۰۳۰ خواهند داشت (Euromonitor International, 2016: Iran in 2030: The Future Demographic).

تهران پایتخت ایران و نیز مرکز استان تهران است. تهران همچنین با ۸۳۷۵۱۰ نفر جمعیت، بزرگ‌ترین و پرجمعیت‌ترین شهر ایران نیز محسوب می‌شود. تهران به لحاظ جمعیتی دومین شهر بزرگ غرب آسیا، سومین شهر بزرگ خاورمیانه و بیست و نهمین شهر بزرگ جهان است. در سال ۱۱۶۱ هجری شمسی، آقا محمدخان قاجار پس از به قدرت رسیدن، تهران را به عنوان پایتخت خود انتخاب کرد. تهران قطب اقتصادی ایران محسوب می‌شود، چرا که ۳۰ درصد از نیروی کار و نیز ۴۵ درصد از شرکت‌ها و صنایع کشور در این شهر متمرکز شده‌اند. تهران همچنین به دلیل در اختیار داشتن جاذبه‌های فرهنگی بسیار، از جمله مقاصد گردشگری بزرگ کشور نیز محسوب می‌شود (-). (Sadatmiyanaei et al, 2014: 126)



نقشه ۱- شهر تهران

Source: (<http://www.maphill.com>)

### شهرنشینی و جرائم شهری

با روند افزایشی جمعیت، بخش عمده جمعیت به طرف نقاط شهری، بویژه شهرهای بزرگ کشیده شده و شهرنشینی به صورت لجام گسیخته و شتابان در حال توسعه است، از این رو مسائل و مشکلات شهری نه تنها ضرورت امروز بلکه نیاز فردای کشور نیز هست و ضرورت دارد قوانین کارآمد و منطبق با این روند تهیه و تدوین گردد (Rabbani and Vahida, 2002). نحوه و شکل زندگی در شهر امر طبیعی و ذاتی نیست، به دیگر سخن آداب و رسوم زندگی شهری مسئله‌ای تعلیمی و آموزشی است که دارای دو طرف است. از یک سو مدیران و مسئولان شهری عهده‌دار تعلیم دائم زندگی شهری هستند و از سوی دیگر شهرنشینان مکلف‌اند برای ادامه حیات مطلوب در شهر فرهنگ شهرنشینی را بیاموزند و فرزندان خود را با محدودیت‌های ناشی از این فرهنگ آشنا نمایند. البته بسیاری از الزامات زندگی شهری که فرهنگ شهرنشینی را تشکیل می‌دهد به صورت قانون مکتوب درآمده و گونه‌ای دیگر به صورت عرف و عادت مسلم مورد قبول شهروندان قرار گرفته، بنابراین هیچ ضمانت اجرایی برای آن در نظر گرفته نشده است (Rabiei, 2008).

فرهنگ شهرنشینی با فرهنگ اداره شهر قرین است، به عبارت دیگر؛ همان‌گونه که شهروندان مکلف به رعایت

الزامات شهری هستند مدیران شهری نیز به عنوان مروجین این فرهنگ عهده‌دار فرهنگ‌سازی و رعایت محدودیت‌های ناشی از اعمال مدیریت شهری هستند.

رفتاری را می‌توان وندالیسم خواند که ضمن دارا بودن جنبه‌های خشونت و تخریب ویژگی‌های ذیل را داشته باشد:

الف- صدمه به چیزهایی که متعلق به دیگران است

ب- صدمه به اموال عمومی

ج- در کل هر سارتمی که دیگری باید آن را جبران کند (Rabiei, 2008).

وندالیسم با انگیزه‌های مختلفی از جمله انتقام‌جویی از جامعه و عملکرد مسئولین شهری، تفریح و پر نمودن اوقات فراغت و در شدیدترین حالت با انگیزه سیاسی که به قصد مقابله با نظام حاکم یا تغییر نظام سیاسی صورت می‌گیرد. برای مقابله با این پدیده باید این اندیشه را القاء کرد که اموال شهر متعلق به عموم شهروندان است و صدمه به این اموال، صدمه به مالکیت خود محسوب می‌گردد (Rezvani et al. 2010).

امنیت، احساس آرامش و اطمینان از عدم تعرض به جان، مال و سایر حقوق انسان است. این ارزش انحصاری یکی از ضرورت‌های زندگی فردی و اجتماعی است. امروز بیش از آنکه احساس ناامنی ناشی از دشمنان خارجی باشد ریشه در درون شهرها دارد و متأسفانه خشونت به نحو چشمگیری افزایش یافته است. عدم امنیت در شهر ناشی از عوامل طبیعی و انسانی است و جرائم سهم بسزایی در ناامنی شهر دارند (Rezvani et al. 2010). البته بین شهر به‌عنوان بزرگ‌ترین سکونتگاه انسانی و جرم به عنوان فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است رابطه علیت فلسفی وجود ندارد. شهر زمینه را برای ارتکاب پاره‌ای از جرائم مستعد می‌کند و تبهکاران را در ارتکاب جرم مصمم‌تر می‌سازد. نباید فراموش کرد که مجرم انسان حسابگری است که سود و زیان حاصل از ارتکاب جرم را می‌سنجد و هرگاه هزینه‌های جرم بیشتر از منافع آن باشد از ارتکاب آن منصرف می‌شود.

در نظر برخی جرائم شهری تحت تأثیر دو عامل مهم قرار دارد. عامل اول به روابط خاص شهروندان و ساختار جامعه شهری مربوط می‌شود از جمله تضاد فرهنگی، اختلاف طبقاتی و ... . عامل دوم به فرم کالبدی شهر و شکل ساختمان‌ها و بناهای شهر مربوط می‌شود از جمله وجود سکونتگاه‌ها در حاشیه شهرها و ساختمان‌های نیمه ساخته رها شده و مخروبه (Ziari, 2009).

برای مقابله با جرائم شهری یعنی جرائمی که شهر به نوعی در تحقق آن مؤثر است پیشنهاد می‌گردد؛

اولاً: از توسعه بی‌رویه شهرها به صورت عمودی و افقی جلوگیری شود و از تشکیل شهرهای میلیونی و کلان‌شهرها ممانعت به عمل آید. ثانیاً: کمربند سبز در اطراف شهرها ایجاد گردد. ثالثاً: محلات شهری بازناسی شوند و ضمن تشکیل شوراهای محلی، امکان مرآوده و شناخت اهالی فراهم گردد. رابعاً: اماکن تفریحی و ورزشی و آموزشی برای پر نمودن اوقات فراغت ایجاد گردد. خامساً: از ایجاد ساختمان‌های بلند و مرتفع که سبب اشرافیت بر املاک مجاور و سلب حقوق ارتفاقی مجاورین می‌شود جلوگیری به عمل آید. سادساً: برای تأمین مسکن مناسب در خارج از شهرها و آن سوی کمربند سبز شهرها شهرک‌های جدید احداث گردد. به گفته رئیس مرکز آمار و فناوری اطلاعات قوه قضائیه استان‌های ایلام، یزد و تهران به ترتیب جرم‌خیزترین استان‌های کشور هستند. بالاترین استان‌ها از لحاظ

ورودی و خروجی پرونده‌ها را مازندران با ۷ هزار و ۷۳۵ پرونده، چهارمحال و بختیاری با ۷ هزار و ۴۲۶ پرونده و گیلان با ۷ هزار و ۲۰۰ پرونده و استان‌های سیستان و بلوچستان با ۲ هزار و ۴۲۲ پرونده، هرمزگان با ۳ هزار و ۹۲۹ پرونده و کرمان با ۴ هزار و ۴۱۵ پرونده به ترتیب کم پرونده‌ترین استان‌های کشور بودند. همچنین ایلام با ۸ هزار و ۲۰۰ پرونده، یزد با ۶ هزار و ۷۸۰ پرونده و تهران با ۶ هزار و ۱۰۹ پرونده سه استان جرم‌خیز کشور هستند این در حالی است که سیستان و بلوچستان با ۲ هزار و ۹۴۸ پرونده، قم با ۳ هزار و ۹۵ پرونده و زنجان با ۳ هزار و ۵۵۹ پرونده جزء کم‌جرم‌ترین استان‌های کشور محسوب می‌شوند (sadeh, 1996).

طبق آمار رسمی ۵۰ درصد اتهامات کشوری که بیشترین عناوین اتهامی را به خود اختصاص داده‌اند به ترتیب سرقت مستوجب تعزیر با ۸۰/۱۲ درصد، ضرب و جرح عمدی با ۹ درصد، توهین به اشخاص عادی با ۴۳/۶ درصد، ایراد صدمه بدنی غیرعمدی با ۱۱/۵ درصد، تهدید با ۹۷/۴ درصد، تخریب با ۴۴/۳ درصد، کلاهبرداری با ۲۵/۳ درصد، خیانت در امانت با ۶۶/۲ درصد و نگهداری و مالکیت مواد مخدر با ۲/۶۴ درصد بوده است (Shakouie, 1990).

پزشکی قانونی می‌گوید نزدیک به یک درصد مردم ایران هر سال به خاطر نزاع و ضرب و شتم به مراجع انتظامی و قضایی می‌روند که نتیجه آن مرگ بیش از ۱۱۰۰ نفر در هر سال است. سازمان پزشکی قانونی می‌گوید در دهه هشتاد (۱۳۸۰ تا ۱۳۹۰) بیش از ۱۱ هزار و ۱۰۰ نفر بر اثر اصابت سلاح سرد، مرده‌اند. آمار این سازمان نشان می‌دهد سالانه بیش از یک هزار و ۱۰۰ مرگ به همین طریق از دنیا رفته‌اند. بیشترین آمار ده سال گذشته در سال ۱۳۸۴ با یک هزار و ۱۹۶ نفر ثبت شد و کمترین آمار هم در سال ۱۳۸۰ با ۹۷۷ نفر ثبت شده است. بر اساس مستندات پزشکی قانونی، در سال گذشته یک هزار و ۹۳ نفر با سلاح سرد جان خود را از دست دادند و این رقم در مقایسه با ۹۷۶ نفری که در سال ۱۳۸۸ کشته شدند، ۱۲ درصد رشد را نشان می‌دهد. ۱۶۰۰ نفر هر روز در کشور دعوا می‌کنند. در موارد نزاع نیز در ده سال گذشته (۱۳۸۰ تا ۱۳۸۹) بیش از پنج میلیون و هشتصد هزار پرونده در پزشکی قانونی مورد رسیدگی قرار گرفته است. در بین این سال‌ها، سال گذشته (۱۳۸۹) بالاترین آمار را داراست که در آن، ۶۳۱ هزار و ۳۸۱ مورد پرونده نزاع به سازمان پزشکی قانونی ارجاع شده است. متوسط مراجعات پرونده‌های نزاع به سازمان پزشکی قانونی در ده سال گذشته، بیش از ۵۸۲ هزار مراجعه در سال بوده است. با توجه به سرشماری ملی سال ۱۳۹۵ که در آن جمعیت کشور ۷۰ میلیون و ۴۷۲ هزار و ۸۴۶ نفر اعلام شد و آمار متوسط ۵۸۲ هزار مراجعه نزاع در سال به پزشکی قانونی، از هر هزار نفر ایرانی، هر ساله ۸ نفر به دلیل نزاع به پزشکی قانونی مراجعه می‌کنند. این در حالی است که بخشی از موارد نزاع بدون مراجعه به مراجع ذیصلاح قانونی با مصالحه خاتمه می‌گیرد و در این آمار لحاظ نشده است.

جدول ۲: آمار پرونده‌های ورودی و خروجی به دادگاه‌های عمومی کشور در کلان‌شهرها در سال ۱۳۹۶

موجودی در سال ۹۰	ورودی در سال ۹۱	خروجی	مانده
۳۸۶۶۹۷	۱۵۱۴۵۴۶	۱۴۸۸۴۳۳	۴۱۲۸۰۰
۷۲۵۱۵	۳۴۵۴۵۶	۳۵۲۰۵۷	۶۵۹۱۴
۱۸۵۵۶۶	۱۲۸۶۰۴۶	۱۲۸۱۰۸۸	۱۹۰۵۲۴
۱۲۲۵	۱۳۰۴۳	۱۲۹۶۶	۱۳۰۲
۶۴۶۰۰۳	۳۱۵۹۰۹۱	۱۸۵۳۴۵۶	۶۷۰۵۴۰



جدول ۳: آمار پرونده‌های ورودی و خروجی به دادسراهای کشور در کلان‌شهرها در سال ۱۳۹۶

مانده	خروجی	ورودی در سال ۹۱	موجودی در سال ۹۰
۱۸۰۱	۴۱۵۶۷۱	۴۰۸۵۵۱	۸۹۲۱
۱۸۶۹۸۳	۹۶۵۸۰۳	۹۷۹۵۷۸	۱۷۱۲۰۸
۱۹۹۶۲۶	۱۶۵۰۳۴۳	۱۶۶۷۰۷۰	۱۸۲۸۹۹
۱۳۴۴۶۲	۴۵۴۳۱	۳۷۴۵۰	۱۴۲۴۴۳
۵۲۲۸۷۲	۲۷۰۳۱۴۴	۳۰۹۲۶۴۹	۵۰۵۴۷۱

Source: (<https://fararu.com>)

جدول ۴: آمار پرونده‌های ورودی و خروجی اجرای احکام در کلان‌شهرها در سال ۱۳۹۶

مانده	خروجی	ورودی در سال ۹۱	موجودی در سال ۹۰
۶۲۲۵۲۰	۵۴۵۹۸۱	۵۴۰۸۵۶	۶۲۷۶۴۵
۷۳۰۹۷۵	۹۷۸۳۵۶	۹۳۸۳۰۷	۷۷۱۰۲۴
۸۸۲۹۷	۹۷۱۸۰	۹۵۷۱۹	۸۹۷۵۸

Source: (<https://fararu.com>)

جدول ۵: آمار پرونده‌های ورودی و خروجی دادگاه انقلاب در کلان‌شهرها در سال ۱۳۹۶

مانده	خروجی	ورودی در سال ۹۱	موجودی در سال ۹۰
۱۵۰۹۵	۲۲۴۳۲۶	۲۲۲۷۵۶	۱۶۶۶۵

Source: (<https://fararu.com>)

جدول شماره ۶: آمار پرونده‌های ورودی و خروجی دادگاه کیفری استان

مانده	خروجی	ورودی در سال ۹۱	موجودی در سال ۹۰
۶۲۷۱	۱۵۱۴۴	۱۵۱۲۶	۶۲۸۹

Source: (<https://fararu.com>)

جدول ۷: آمار پرونده‌های ورودی و خروجی دادگاه تجدید نظر در کلان‌شهرها در سال ۱۳۹۶

مانده	خروجی	ورودی در سال ۹۱	موجودی در سال ۹۰
۷۴۲۹۸	۵۳۶۹۰۳	۵۳۷۰۸۹	۷۴۱۱۲

Source: (<https://fararu.com>)

### بررسی جغرافیای جرم در کلان‌شهر تهران

تهران شهر پیچیده‌ای است. فعالیت‌ها، جمعیت‌ها و فرهنگ‌های موجود در آن منطقی جدید آفریده‌اند و بر اساس این منطق جدید و در حال دگرگونی دائمی، مردمانی در ارتباط با یکدیگر قرار گرفته‌اند که قبلاً هیچ‌آشنایی با یکدیگر نداشته‌اند. موضوعی که علاوه بر ایجاد مشکلات بسیار، بیش از پیش به نوآوری و نوپردازی دامن می‌زند و در واقع این خصیصه کلان‌شهر است که بویایی‌های جدید ایجاد کند. وجود و آگاهی بر اطلاعات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی برای درک یک شهر الزامی است. اما مفاهیم ناشی از این درک، تنها زمانی معنا پیدا می‌کند که در یک سرزمین، در یک فضای شهری، یا فضا‌های پیرامونی آن نمود مادی پیدا کنند (Talebi, 2004). تهران مرکز حکومت است و به لحاظ موقعیت سیاسی، جغرافیایی، اقتصادی، فرهنگی، آموزشی، درمانی، صنعتی و جمعیتی از اهمیت ویژه و منحصر به فردی در کشور برخوردار است. زیرا محل استقرار مرکز سیاسی و تمام وزارتخانه‌های کشور و سفارتخانه‌های دیگر کشورهاست. از سویی به لحاظ موقعیت جغرافیایی که در محور شمال-جنوب و شرق و غرب کشور قرار دارد، محل تردد سنگین مسافران به مرکز و دیگر نقاط کشور است. همچنین عمده امور

بازرگانی و دفاتر تجاری در تهران مستقر است حدود ۴۰ درصد صنایع کشور در اطراف تهران استقرار یافته‌اند (Ali Abadi and Ahmadi, 2002).

بیش از نیم میلیون نفر دانشجو در دانشگاه‌های تهران مشغول تحصیل هستند و عمده مراکز درمانی موجب حضور افراد شهرستانی در مرکز را ضروری می‌نماید هم‌چنین ترکیب جمعیت که از اقوام مختلف و زبان‌های متفاوت که در سنوات گذشته همراه با توسعه حاشیه نشینی بوده است بر اهمیت نظم و امنیت این شهر افزوده است. نتیجه آنکه وضعیت فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، جمعیتی و شهرسازی تهران تا حد زیادی متفاوت از دیگر شهرهاست و این شرایط بر نوع رفتار، ارتباطات، انتظارات و نگرش‌های ساکنان آن تأثیرگذار است و در حوزه امنیت عمومی نیز دارای آثار مثبت و منفی است که باید در مطالعات امنیتی مورد توجه قرار گیرد (Aliakh and Najibi, 2006).

حقوق‌دانان معتقدند خیابان‌های تاریک و کم نور بعضاً محل مناسبی برای تعرضات مالی و جنسی به شمار می‌روند و نوع معماری شهرها، نحوه ساخت بناها و میزان تراکم آن‌ها در حوزه جنایی کشور نقش مهمی ایفا می‌کند. مناطق مختلف هر کشور و شهری به لحاظ میزان و انواع جرائم دارای ویژگی‌های خاص خود است. از سویی ایجاد تغییرات در مناطق جغرافیایی نیز می‌تواند در گسترش بروز یک جرم یا کاهش آمار آن نقش به‌سزایی داشته باشد. در این میان برای مقابله با جرائم در نخستین گام باید به شناسایی ویژگی‌های هر منطقه و بررسی علل و عوامل جرم‌خیز بودن آن پرداخت. جرم یک ابزار خلاف ارزش‌های اجتماعی است که به دلیل ضرر و زیانی که به ارزش‌های جامعه وارد می‌کند، از سوی قانون‌گذار برای آن مجازات تعیین شده است (Filakov, 2003).

محیط جغرافیایی تأثیر ویژه‌ای بر نوع رفتار افراد دارد به نحوی که روابط میان اشخاص در منطقه مترکم با محیط‌های مسکونی غیرمترکم تفاوت دارد و بررسی‌های انجام گرفته از سوی کارشناسان مؤید این مسئله است که این مؤلفه‌ها تأثیر به‌سزایی در بزهکاری افراد دارند. بزهکاری در حاشیه‌های شهر، خانه‌های مقوایی و... با بزهکاری در دیگر مناطق شهر فرق دارد. بنابراین، نمی‌توانیم عامل محیطی را در بروز بزهکاری رد کنیم. متأسفانه به دلیل نبود آمار و مطالعات دقیق از سوی کارشناسان، میزان جرم‌زایی در کشور ما روشن و مشخص نیست. آنچه مسلم است میزان بزهکاری در مناطق حاشیه شهرها و پرجمعیت و هم‌چنین شهرک‌ها بیش از مناطق دیگر است. بزهکاری در مناطقی همچون شهرک‌های اقماری که افرادی با تعلقات مختلف در آن زندگی می‌کنند، از اماکن قدیمی بیشتر است. هم‌چنین بزهکاری در بخش‌های فقیرنشین، بنادر، راه‌آهن و... بیشتر از دیگر مناطق شهر است. این حقوق‌دان خاطر نشان کرد: برخی شرایط فنی در مناطق شهری می‌تواند با افزایش یا کاهش جرائم جنایی رابطه مستقیم داشته باشد یا این‌که وجود برخی سازوکارها مانع بزهکاری می‌شود (Kalantari and Safari, 2008).

نصب ابزارهای الکترونیکی، دوربین‌های مداربسته، تلفن‌های عمومی و کیوسک و گشت‌های پلیسی در خیابان‌ها و اماکن خلوت شهری، ساخت فیلم‌های پلیسی و نصب روشنایی (تیرهای چراغ برق) به منظور پیشگیری از جرم در پارک‌ها، پایانه‌ها، محل‌های پررفت و آمد و خلوت عامل بسیار قوی در کاهش بروز جرائم مالی، جنسی و... است و در ساخت منازل ضمن این‌که باید نکات روان‌شناسی رعایت شده باشد، باید به‌گونه‌ای طراحی شود که علاوه بر تسکین فرد، جنبه پیشگیری از جرم در آن در نظر گرفته شده باشد. شهرداری باید بر ساخت و ساز

مجتمع‌های مسکونی و فاصله آن‌ها با یکدیگر، نوع اشرف هر ساختمان بر ساختمان‌های دیگر، میزان طبقات ساختمان، فضای سبز منازل و... نظارت داشته باشد. همچنین وزارت مسکن در این زمینه نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. این وزارتخانه به عنوان سازمان اعمال حاکمیت باید به واحدهای شهرداری در خصوص چگونگی نحوه ساخت و ساز ابلاغ کند. بهترین روش برای تغییر ساختار معماری شهر و متناسب کردن آن با نیازهای شهر را تشکیل کمیسیونی متشکل از نمایندگان وزارتخانه‌های مختلف اعم از وزارت مسکن، شهرداری، رئیس قوه قضاییه، بهزیستی، وزارت کشور و... است که اعضای این کمیسیون باید ابعاد ساخت مسکن را بر طبق استانداردهای روز دنیا مطالعه کرده و پیشنهادهای لازم را در این زمینه به مهندسان ارائه دهند (Kalantari and Ayat, 2007).

رشد اماکن تجاری در محله‌های مسکونی در افزایش جرم و جنایت مؤثر است و چهره افراد سابقه‌دار و مجرم باید از سوی رسانه‌ها و مطبوعات به مردم نشان داده شود. قطعاً معماری یا نوع ساختمان‌سازی رابطه مستقیمی با جرم و جنایت دارد. برخی کشورها در حوزه معماری جنایی و جرم متخصص هستند، به گونه‌ای که در طراحی ساختمان‌ها و شهرها به آن توجه ویژه‌ای می‌کنند. باید در این گونه محل‌ها به فواصل معینی کیوسک‌های پلیس ایجاد شود. همچنین گشت‌های پلیسی در فاصله‌های زمانی کوتاه باید در این اماکن رفت و آمد داشته باشند. هر چقدر تعداد محله‌ها و ساختمان‌های مسکونی در نواحی صنعتی و بازرگانی کاهش پیدا کند، باعث می‌شود این محله‌ها کم‌کم از حالت مسکونی به تجاری تبدیل شوند، در نتیجه جرائم در این گونه محله‌ها افزایش می‌یابد (Kozareh, 1996).

داشتن کمترین امتیاز اجتماعی، بی‌سوادی، فقر، بیکاری، نداشتن حرفه مشخص، مهاجر بودن و... از جمله ویژگی‌های برخی مناطق جنوبی شهر به شمار می‌آید. بنابراین، اگر فرصت قانونی متعارف در اختیار مردم این نواحی گذاشته نشود، طبیعتاً نرخ جرم در این مناطق افزایش پیدا می‌کند. دانش‌آموزان این‌گونه مدارس به دلیل مهاجرپذیر بودن مدام مدارس خود را تغییر می‌دهند. همچنین هیچ‌گونه دلبستگی میان معلم و دانش‌آموز وجود ندارد و این امر موجب می‌شود مدرسه، یک مدرسه در حال گذار باشد، در نتیجه جرم در این مناطق افزایش پیدا می‌کند؛ اما در مناطقی که کمتر مهاجرپذیر هستند، والدین به شدت وضعیت درسی، دوستان و همکلاسی‌های فرزندان خود را نظارت می‌کنند، در نتیجه جرم در این مناطق کمتر است (Cohen, 1981).

در سراسر فرهنگ واژگان حقوقی و جرم‌شناسی هیچ واژه‌ای از نظر معنی به پیچیدگی واژه جرم یا بزه وجود ندارد، چه بسیار افرادی که در برهه‌ای از زمان مجرم شناخته شده و در برهه‌ای دیگر به عنوان انسان‌های نیک‌سیرت از ایشان یاد می‌شود. ضمن اینکه برخی جرائم نیز وجود دارند که در تمام اعصار و مکان‌ها ثابت‌اند و همیشه جرم تلقی می‌شده‌اند. با این همه درک معنای این اصطلاح در بررسی وضع قانون و نقض آن و نیز در توجیه و ارزیابی مجازات از اهمیت بسزایی برخوردار است (Key Niya, 1994). واژه جرم در لغت به معنای گناه، خطا، ذنب، تعدی، بزه، عصیان و معصیت است و در اصطلاح حقوقی هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده جرم نامیده می‌شود. جامعه‌شناسان نیز معتقدند که جرم پدیده طبیعی اجتماعی است و از فرهنگ و تمدن هر اجتماع

ناشی می‌شود و هر عملی که وجدان عمومی را جریحه‌دار کند، جرم محسوب می‌شود. هر یک از جرم‌شناسان نیز به نوبه خود برحسب روش، شغل و حرفه، موضوع مورد مطالعه، تخصص، ذوق و استعداد خود جرم را معنی و تفسیر کرده‌اند؛ بنابراین هنوز تعریفی که بتواند مورد قبول تمام جرم‌شناسان قرار بگیرد ارائه نشده است. به هر حال از سوی جرم‌شناسان چند تعریف مشخص از جرم ارائه شده که فهرست‌وار به آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. جرم تجاوز به حق و وظیفه است (تارد- ماکسول)

۲. جرم عملی قابل مجازات است

۳. جرم عملی علیه آزادی فرد است

۴. جرم عملی برخلاف قانون است

۵. جرم عملی خلاف قانون و اخلاق است

۶. جرم عملی ضد اجتماعی است

۷. جرم لطمه به وجدان و اخلاق است

برخی مانند منتسکیو جرم را به جرم علیه مذهب، علیه اخلاق، علیه آرامش عمومی و علیه امنیت تقسیم می‌کنند. دکتر مظلومان نیز در تعریفی عجیب جرم را این‌گونه تعریف می‌کند: «جرم عمل یا خودداری از عملی است که طبقه روشن‌فکر جامعه آن را عامل آشفستگی در نظم و هماهنگی اجتماعی محسوب کند و برخلاف موازین اخلاقی بداند و آسیبی به احساسات و وجدان به شمار آورد» (Key Niya, 1994). عده‌ای از دانشمندان معتقدند که برخی جرائم دلیل پیشرفت اجتماع و ترقی آن است و حتی برای آنکه جامعه بتواند به پیشرفت خود ادامه دهد این جرائم لازم است مثلاً دونالدپ معتقد بود ترقی اجتماع از دو طریق صورت می‌گیرد: ۱. تخلف از قراردادهایی که منجر به تشکیل قراردادهایی جدید می‌شود؛ ۲. تخلف از قانونی که توسط قراردادها شکل گرفته است. امیل دورکیم نیز می‌نویسد: جرم نه تنها پدیده لازمی به شمار می‌آید بلکه چون این شرایط برای تحول و شکل‌گیری اصولی و درست حق و اخلاق ضروری است لذا ثمربخش و مفید است؛ اما در واقع عقیده این دانشمندان را باید مربوط به آداب و سنی دانست که صورت قانون به خود می‌گیرد و کلیه افکار را در چهارچوب خود زندانی می‌کند و در نتیجه باعث رکود و جمود فکر شده و اجتماع را در حالت سکون نگه می‌دارد (Key Niya, 2005).

برخلاف تئوری‌های مختلف مربوط به بزهکار و بزهکاری که ریشه قدیمی دارند، تئوری‌های مربوط به بزه مباحث جدیدی در جرم‌شناسی هستند. برخی از جرم‌شناسان دو عامل را در ایجاد جرم سهیم می‌دانند: شخصیت و وضعیت. ایشان عمل جنایی را پاسخ شخصیت به وضعیت معین می‌دانند و علت جرم را در این دو عامل جستجو می‌کنند؛ اما عوامل دیگری نیز وجود دارند که در تحقق جرم سهیم‌اند، مثل زمینه و محیط. عوامل ارثی، پایه اساسی و ضروری تکامل شخصیت فرد است و حدود تکامل جسمی و روانی را تعیین می‌کند. اثر کروموزوم‌ها، تغییر و تجزیه ژن‌ها، اثر بیماری‌های واگیردار، رشد جسمی و پرورش روانی و سایر عواملی که در جسم و روان هر فرد مؤثر است زمینه را برای بروز جرائم مختلف مهیا می‌سازد. با اینکه زمینه، به علت ساختمان خاص جسمی و وضع روانی هر فرد دوام دارد ولی تحت تأثیر عوامل خارجی و محیط اجتماعی تغییرپذیر است (Key Niya, 2006).

محیط کلیه شرایط و اموری است که موجب تکامل هر موجود زنده و به خصوص تحول شخصیت انسانی می‌شود. محیط به انواع مختلف تقسیم می‌شود: محیط جغرافیایی یا طبیعی، محیط اجتماعی، محیط عمومی، محیط شخصی، محیط اجتناب‌ناپذیر، محیط اتفاقی، محیط انتخابی، محیط پذیرش و محیط تحمیلی. تمامیت جسمی و روانی فرد شخصیت وی را تشکیل می‌دهد. مقصود از تمامیت تکامل نیست بلکه منظور آن است که فرد پس از عبور از دوران بلوغ و رسیدن به سن تکلیف اجتماعی که عرف نیز به آن صحنه می‌گذارد، به حد کافی از رشد جسمی و روانی رسیده و به عنوان «شخص» دارای جایگاه اجتماعی معینی شده است؛ به عبارت دیگر می‌تواند دارای مسئولیت اخلاقی در ارتباط با دیگران بشود. جامعه‌شناسان فرهنگ هر جامعه را در تکوین شخصیت مؤثر می‌دانند و معتقدند که تفکیک شخصیت که مؤید وحدت وجود فرد است از محیط امکان‌پذیر نیست. وقوع جرم از مرحله شروع تا اجرای عمل، بسته به وضعیتی است که شخصیت فرد را شکل می‌دهد. با ترکیب شخصیت و وضعیت هر امری از نقطه شروع به مرحله عمل و اجرا در می‌آید. گین برگ معتقد بود که می‌توان سه وضعیت را از یکدیگر تفکیک کرد: ۱. وضعیت خطرناک مثل محیط باند بزهکاران ۲. وضعیت بی‌خطر ۳. وضعیت مختلط.

#### نتیجه‌گیری و دستاورد علمی پژوهشی

دامنه جرائم اجتماعی بسیار گسترده است و پیشرفته‌ترین آن علمی است که به لحاظ قانونی خلاف شمرده می‌شود و عامل اصلی آن را متهم و محکوم به زندان می‌اندازند و شکی نیست که این طیف وسیع متأثر از عوامل مختلفی که از موقعیت‌ها و شرایط و عوامل اجتماعی نظیر گسیختگی‌های خانوادگی، پایه زن بدون سطح تحصیلات و زندگی در محیط‌های منحرف، میزان باورهای مذهبی، ازدواج در سنین پائین و عدم تعلقات اجتماعی و عوامل اجتماعی دیگر است. اندیشمندان متعددی علاقه‌مند به پژوهش در مورد جرائم اجتماعی می‌باشند که هر یک از زاویه‌ای خاص به عوامل اجتماعی ایجاد جرم پرداخته‌اند.

یکی از مسائل پیچیده و ناراحت کننده فعلی که توجه بسیاری از محققین، جامعه‌شناسان و روانشناسان و متخصصین امروز را به خود معطوف داشته موضوع جرم و ارتکاب جرم است؛ اما در همه این حوزه‌ها زنان که نیمی از جمعیت جامعه می‌باشند عملاً کمتر مورد توجه بوده و در واقع بیشتر نظریه‌های کج‌روی زنان را تقریباً مورد بی‌اعتنایی قرار داده‌اند. شاید این مسئله به این دلیل باشد که میزان تبه‌کاری و ارتکاب جرم زنان نسبت به مردان اندک بوده و یا به نظر می‌رسد که اندک باشد. برای پاسخ به این که چرا زنان در مقایسه با مردان کمتر مرتکب جرم می‌شوند، نظرات مختلفی وجود دارد. عده‌ای از نظریه‌پردازان این مسئله را ناشی از عوامل درونی و بیولوژیکی می‌دانند. عده‌ای نیز معتقدند که زنان فاقد نیروی کار لازم برای ارتکاب جرم هستند و بیشتر مفعولانه عمل می‌کنند. عده‌ای دیگر دیدگاهی کاملاً متفاوت دارند. به نظر آن‌ها کم بودن جرائم زنان به فقدان نیرو، خوبی ذاتی یا مسائل بیولوژیکی مربوط نمی‌شود. آنان معتقدند که زنان موجوداتی مکار و حيله‌گرنده و خوب می‌دانند که چطور در دام قانون گرفتار نشوند. در نتیجه جرائم آن‌ها کمتر از جرائم مردان علنی می‌شود (Key Niya, 2006).

پدیده‌های اجتماعی با یکدیگر رابطه متقابل و تنگاتنگ دارند. برای پدیده جرم و بزهکاری نیز نمی‌توان تنها یک عامل را عامل وقوع جرم دانست. گرچه در تبیین علل وقوع ارتکاب جرم عوامل شخصی و محیطی هر دو مورد

توجه است لیکن فرض کلی بر این است که عوامل محیطی نیروی غالب است و عوامل شخصی را تحت تأثیر قرار می‌دهد از بررسی‌ها چنین بر می‌آید که هرچند هنوز میزان جرائم زنان نسبت به مردان پایین است اما روند رو به رشد جرائم زنان محسوس است (Marshall and Rassman, 1998). بالا بودن جرائم زنان آثار و عواقب نامطلوب دارد که جبران آن مشکل است. متلاشی شدن خانواده‌ها، تزلزل در ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی که جامعه بر پایه آن استوار است از پیامدها و آثار نامطلوب جرائم است. در پاسخ به این سؤال که آیا از هم گسیختگی خانواده در بروز جرم زنان مؤثر است باید گفت که خانواده نخستین «نظام نهادی» عمومی است که برای رفع نیازمندی‌های حیاتی و عاطفی انسان و بقای جامعه ضرورت تام دارد. جامعه‌پذیری ناقص موجب بروز رفتارهای خلاف هنجار اجتماعی را فراهم می‌آورد. روانشناسان نشان می‌دهند که محیط خانواده رابطه مستقیمی با بروز رفتار ارتکاب جرمی و ارتکاب جرم دارد. طرز تفکر والدین با سایر اعضای خانواده به هر شکلی که باشد، در رفتار فرزندان آن‌ها تأثیر می‌گذارد. اگر خانواده کانون خشونت و تنش باشد، فرزندان به بیرون از خانه پناه می‌برند و دختران به علت ویژگی‌های جنسی خود در خطر آسیب قرار می‌گیرند (Modirie, 1983).

ساترلند می‌نویسد غالباً شرایط زیر در خانواده موجب ارتکاب بزه فرزندان می‌شود:

- ۱- بزهکاری سایر افراد خانواده یا فساد اخلاقی و الکلی بودن سایرین.
- ۲- فقدان والدین در اثر فوت یا طلاق یا ترک یکدیگر.
- ۳- عدم کنترل والدین در اثر غفلت یا علل دیگر.
- ۴- ناسازگاری موجود در منزل نظیر تحکم یکی از اعضای خانواده، حمایت زیاد از بعضی از فرزندان یا اشتیاق زیاد نسبت به آن‌ها، سختگیری بیش از حد معمول، حسادت بعضی از افراد نسبت به دیگران، شلوغی وضع خانواده و دخالت بستگان و غیره. علاوه بر این زنان به علت حاکم بودن فرهنگ سنتی بر جامعه و اکثر خانواده‌ها، فرصت‌های تحصیلی و شغلی محدودتر و تبعیض جنسیتی، همواره در معرض محرومیت‌های اقتصادی و اجتماعی می‌باشند که جواب گوی این سؤال است که آیا پایگاه اجتماعی و اقتصادی و میزان تحصیلات زنان در بروز جرم آنان مؤثر است که این امر زمینه‌ساز آسیب‌پذیری زنان است، به طوری که جمعیت فعال زنان هنوز در مقایسه با مردان ناچیز است. ساترلند از نظر برابری یا عدم برابری زنان با مردان می‌نویسد؛ شاید بتوان مهم‌ترین اختلاف بین زن و مرد را در این دانست که زن‌ها سخت مراقبت می‌شوند و اعمال آن‌ها سخت تحت کنترل قرار می‌گیرند (Mesgari Torqabeh, 1998).

به علاوه زنان شاغل در مقایسه با مردان، از مزایای برابری برخوردار نیستند. بی‌سوادی زنان به دلیل پایین بودن میزان سواد، فاقد زمینه لازم برای کسب مهارت‌های شغلی هستند. بی‌سوادی زنان نه تنها عامل بازدارنده زنان در عرصه نیروی کار آن‌ها در حیطه فعالیت‌های اقتصادی، بلکه آنان را نسبت به حقوق و مسئولیت‌های اجتماعی و خانوادگی آسیب‌پذیر می‌گرداند. همچنین نظام هنجاری سنتی، زن را از لحاظ اقتصادی، وابسته و تابع مرد تربیت می‌کند و این وابستگی در میان قشرهای اجتماعی که از نظر میزان سواد و آگاهی‌های اجتماعی در سطح نازل‌تر هستند بیشتر به چشم می‌خورد. در این مطالعه سعی بر این است که این سؤال اساسی تحقیق پاسخ داده شود که: چه عوامل جامعه‌شناختی در بروز انواع جرم در بین زنان زندانی مؤثرند؟ پژوهش حاضر که به زمینه‌های اجتماعی مؤثر

در ارتکاب جرم زنان توجه دارد بی‌تردید وقوع جرم و نوسانات کمی و کیفی آن را معلول عللی می‌داند که در جامعه ایجاد شده است. ابتدا باید توجه داشت که در وقوع ارتکاب جرم عوامل شخصی و محیطی هر دو مؤثر می‌باشند (Maleki, 2010).

به نظر می‌رسد تعریف جرم نیز برحسب مکاتب و دیدگاه‌های مختلف، متفاوت باشد. به طور مثال، به عقیده طرفداران مکتب عدالت مطلق، جرم عبارت است از: عملی که مخالف اخلاق و عدالت باشد. از نظر رافائل گاروفالو (مکتب تحقیقی) نیز در صورتی که افراد به آن قسمت از حس درستی و نیکوکاری که همیشه و در همه جا مورد قبول واقع شده است اهانت کنند، مرتکب جرم شده‌اند؛ اما کارارا معتقد است جرم یعنی: نقض قانون مملکتی در اثر یک عمل خارجی، در صورتی که انجام وظیفه و یا از اعمال حقی آن را تجویز نکند و مستوجب مجازات باشد. سیاسی نیز در تعریف جرم می‌گوید: «جرم عبارت از سرکشی فرد در برابر اجتماع است که به وسیله مقررات قانونی تعبیه شده و برحسب شدت و ضعف، از نظر حقوقی نوع است: خلاف، جنحه و جنایت: که البته در تقسیم‌بندی پس از انقلاب به نوع: حدود، قصاص، دیات و تعزیرات تقسیم شده است. همچنین فرهنگ راندوم هاوس جرم را انجام فعالیت غیر قانونی، تخلف، اشتباه یا گناه جدی و شدید و عملی که باعث ایجاد خسارت به افراد، اماکن عمومی یا منافع دولت شود» تعریف کرده است (Mousavi, 1999)؛ اما به طور کلی، می‌توان گفت که جرم دارای دو تعریف اجتماعی و اثباتی است. در تعریف اجتماعی، جرم به فعل یا ترک فعلی گفته می‌شود که مرتکب آن از طرف مردم و جامعه طرد شود؛ در حالی که در تعریف اثباتی، هر فعل یا ترک فعلی که به موجب قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد، جرم محسوب می‌شوند (Nabavi, 1995). بر اساس تعریف اثباتی، هیچ جرمی جرم محسوب نمی‌شود مگر اینکه کیفری در کار باشد؛ یعنی کیفر قانونی نمی‌تواند اعمال شود مگر در قبال اعمالی که از نظر قانونی تعریف دقیق داشته باشند و اگر اعمال ناپسند و مذموم از سوی قانون به طور دقیق تعریف و محکوم نشده باشند ولی در میان افراد احساس انزجار و تنفر پدید آورند، جرم شمرده نمی‌شوند (Najafi Abrandabadi and Hashembiqi, 1998). طبق برداشت مبتنی بر آسیب اجتماعی، جرم هم شامل جرائم جزایی مانند تجاوز یا سوء قصد می‌شود و هم شامل جرائم مدنی مانند غفلت یا بی احتیاطی است (Hadipour, 2009).

بررسی جغرافیایی نخستین کوشش علم جغرافیا در باب تحلیل رابطه میان محیط و رفتار انسان است. بر اساس این رویکرد، اوضاع محیط طبیعی (اقلیم) نقشی تعیین کننده در ادراک، احساس و رفتار مجرمانه انسان دارد. بررسی‌های متکی به روش علمی و مبتنی بر اصول و روش‌های آماری درباره محیط جغرافیایی و جرم برای اولین بار در نیمه اول قرن نوزدهم به وسیله کتله و گری صورت گرفت است. برخی منابع «کتله» را پدر آمار جنایی و از جمله پایه‌گذاران مکتب جغرافیای جنایت معرفی کرده‌اند و گفته می‌شود که تحقیقات او باعث شده تا جرم به عنوان یک پدیده اجتماعی تابع دو متغیر زمان و مکان شناخته شده شود (Weisberg and Brown, 1899).

سیر تکوینی شکل‌گیری علم جغرافیای جرم و جنایت از گذشته تا به امروز در طی سه دوره خلاصه می‌شود: دوره اول: تأثیر عوامل محیطی چون آب و هوا، باد، دما، عرض جغرافیایی، کوه، دشت و دریا و... در رابطه با کجروی‌های بشری، موضوع مطالعات جغرافیای جرم در این دوره را تشکیل می‌دهد. در واقع این مطالعات با رویکردی

جبرگرایانه، ناهنجاری‌های اجتماعی را به عوامل محیطی نسبت می‌دهد. دوره دوم: گری و کتله در سال ۱۸۳۳ نخستین پژوهش‌های علمی جغرافیای جرم را با بهره‌گیری از اندیشه‌های اکولوژی اجتماعی انجام دادند. کتله به کمک اعداد و ارقام، رابطه بین جرم و برخی متغیرهای اجتماعی، اقتصادی و محیطی را نشان داد. این روند به وسیله متفکران مکتب اکولوژی اجتماعی شیکاگو در اوایل قرن بیستم ادامه یافت و برخی متغیرهای جمعیتی (ساخت جنسی و سنی) و اقتصادی (درآمد) و مشخصه‌های مکانی (مشخصات مناطق و محل سکونت مجرمان) را به آن اضافه کردند.

دوره سوم: از دهه ۱۹۹۰ میلادی علاقه و توجه فزاینده‌ای به پژوهش‌های مربوط به مکان و جرم در محافل علمی جهان صورت گرفته است. به نظر می‌رسد که موارد زیر مهم‌ترین دلایل این توجه بوده است:

الف- افزایش قابل توجه میزان جرم و جنایت و ناهنجاری‌ها در اکثر شهرهای جهان

ب- پیشرفت‌های فنی ابزارهای پژوهش جغرافیا

ج- توسعه علمی نظریه‌های مکانی جرم در بررسی‌های جغرافیای جرائم شهری

با بررسی جغرافیای جرم به نظر می‌رسد چهار عامل کلیدی قانون، مجرم، قربانی جرم و مکان جرم در شکل‌گیری کانون‌های جرم خیز در نقاط مختلف جغرافیایی از مهم‌ترین عوامل است. آنچه مسلم است برخی مکان‌ها به دلیل ساختار کالبدی خاص و همچنین ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی ساکنان آن، امکان و فرصت بیشتری برای وقوع جرم دارند. در نقطه مقابل، برخی مکان‌ها مانع و بازدارنده فرصت‌های مجرمانه هستند و همین امر موجب می‌شود تا بزهکاران در انتخاب محل جرم خود، به دنبال کمترین و مناسب‌ترین فرصت‌ها و شرایط مکانی برای ارتکاب عمل مجرمانه باشند؛ بنابراین شناسایی فرصت مکانی به وجود آورنده و تسهیل کننده این فرصت‌ها و ارائه رهنمود برای تغییر این شرایط و تبدیل آن به فضاهای مقاوم در برابر ناهنجاری‌های اجتماعی از مهم‌ترین اهداف بررسی‌های جغرافیای جرم در شهرها محسوب می‌شود.

رشد بی‌رویه و شتابزده کلان‌شهرها در سال‌های اخیر، پیامدهای ناگواری، از جمله: افزایش جرم و جنایت در آن‌ها را به همراه داشته است. در واقع، شهرنشینی از دیدگاه جرم‌شناسی، فرصت بیشتری برای ارتکاب جرم به وجود می‌آورد. آنچه مسلم است، برخی مکان‌ها به دلیل ساختار فضایی - کالبدی خاص و همچنین، شرایط و ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی ساکنان آن، امکان و فرصت بیشتری برای وقوع و بروز جرم دارند. در مقابل، برخی مکان‌ها مانع و بازدارنده فرصت‌های مجرمانه هستند. از این رو، شناسایی شرایط مکانی - فضایی بروز جرم و ارائه راهکار به منظور از بین بردن یا تضعیف این شرایط، از مهم‌ترین اهداف بررسی‌های جغرافیای جرم و جنایت در شهرها محسوب می‌شود. از آنجایی که برنامه‌ریزی، مدیریت و سازمان‌دهی مناطق، شهرها و روستاها در جنبه‌های مختلف، از وظایف اصلی دولت‌ها در هر کشوری است و از جمله شاخصه‌های مهم حیات اجتماعی سالم در هر جامعه‌ای وجود میزان قابل قبولی از امنیت در آن برای کلیه شهروندان است که در پرتو آن بتوانند به فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی روزمره‌شان بپردازند، تحقیق و مطالعه پراکنش و توزیع فضایی جرم می‌تواند کمک شایان توجهی به دست اندرکاران در خصوص شناسایی ریشه‌ها، علل، نحوه گسترش و پراکندگی



انواع جرم کرده، اقدامات پیشگیرانه و مقابله را تسریع نماید. امروزه بررسی پراکندگی جرائم شهری در سطح کلان‌شهرها و عوامل مرتبط و تأثیرگذار بر آن جزو یکی از دغدغه‌های اصلی برنامه‌ریزان شهری است.

## References

- Bayat, Bahram (2008), Sociological Explanation of the Sense of Security among Tehrani Citizens, Ph.D. University of Isfahan.
- Bayanloo, Yousef and Mansourian, Mohammad Karim (2006), The article on the relationship between population density and crime rate, Journal of Social Welfare, No. 22. 92-65.
- Pour Mousavi, Seyyed Moussa and Saeed Zanganeh Shahraki and Narges Ahmadi Fard and Naseh Abdi (2011), The Long-Range Impact of Urban Crime, Case Study: Twenty-Four Regions of Tehran, Quarterly Journal of Human Geographic Research, Vol. 77, P. 61 73.
- Poor Ahmad, Ahmad and Mohammad Taghi Ranhemi and Mohsen Kalantari (2003), Geographical Survey of Crimes in Tehran, Geographical Research Quarterly, Sh. 44, pp. 81 89, Recovering from [http://www.sid.ir/en/VEWSSID/J\\_pdf/51913824409.pdf](http://www.sid.ir/en/VEWSSID/J_pdf/51913824409.pdf)
- Tavasoli, Gholam Abbas (2002), in the theory of sociology, the organization of the study and compilation of human science books (position), third edition.
- Tavasoli, Mahmoud (1373), Social Life in Urban Space, Center for Urban Studies and Research.
- A group of writers (2008), social harm and its evolution in Iran, Tehran, Awareness, Second Edition, p. 15.
- Durkheim, Emile (1368), quoted from Knowledge, Taj Mahal, Who is the culprit, What is Criminology, Tehran, Kayhan, Second Edition, p. 46
- Dickens, Peter (1998), Urban Sociology: Local Social and Human Nature, Translated by: Hossein Behrouzan, Mashhad: Astan Quds Razavi Publishing.
- Rabbani, Rasoul and Vahida, Fuden (2002), Urban Sociology, Tehran: Position.
- Rabiei Naser (2008), Investigating the Socioeconomic Status of Offenders and Offenders in Tehran City ", Journal of Rehabilitation and Development, Vol. 4, No. 50.
- Rezvani, Mohammad Reza et al. (2010), Geography of crime in rural areas with an emphasis on livestock theft in the quarterly district of Ghorveh city ", Journal of Management Studies, pp. 38-63.
- Ziyari, Karamatollah (2009), Study of Comfort and Security in Yazd Neighborhoods, Human Geography Research, No. 7
- Sadeh, Mahdi (1375), Methods of Research with Emphasis on Applied Aspects. "Tehran: Publishing, Year.
- Shokei, Hossein (1369), Social Geography of cities. Tehran: Publishing Jihad University, Second Edition, 1369, p. 475.
- Sediq Sarvestani (2004), Social Pathology, Second Edition, Tehran: its publication.
- Talebi, Jaleh (2004), Social Relations in Urban Space, Journal of Social Sciences, No. 43.
- Tehran Master Plan (2006), Center for Urban Studies and Planning in Tehran, responsible for the preparation of comprehensive and detailed plans of Tehran.
- Abbasi Workay, Elham (2008), Spatial identification and analysis of crime centers in Qazvin city using Geographic Information System (GIS), GIS Thesis Master of Geography and Urban Planning, Qazvin University. The
- Abbasi Varaki, Elham (2008), Spatial Identification and Analysis of Mass Crime Centers in Qazvin City Using Geographic Information System, Master's Thesis, Zanjan University, Faculty of Humanities.
- Ali Abadi, Ali and Ahmadi, Kaveh (2002), Long-term Planning of the Social and Cultural Part, Case Study of Iranian Society.
- Alisherah, Fardin and Najibi, Maryam (2006), Women and Fear of Crime in Urban Spaces, Social Welfare Magazine. No. 22. 901-231.
- Fyalk, Yankl(1382), urban sociology, translation Nik Abdul Hussein Gohar, Tehran: Agah publishing.
- Kalantari, Mohsen and Ismaïllesfari(2008), Application of New Technologies in Police Affairs, Case Study of Crime Victimization, Journal of Journal of Prevention of Crime, pp. 34, 46.

- Kalantari, Mohsen and Ayatollah Ayat(2007), Impact of environmental conditions on the occurrence of delinquency and prevention strategies, Case study: Offenses committed in Tehran, Journal of crime prevention studies, pp. 43-65.
- Kalantari, Mohsen and Ali Akbar Ghahremani and Younes Khosravi and Kazem Jabbari(2009), Management and analysis of delinquency data in the central part of Tehran using interpolation and geographic information systems, Journal of Management Studies, pp. 483 504
- Kalantari, Mohsen and Mahdi-Tokoli(2007), Identification of urban crime centers, Journal of crime prevention studies, pp. 75-100.
- Kalantari, Mohsen (2001), Study of Crime Geography in the Districts of Tehran. Ph.D. University of Tehran, p. 49.
- Kalantari, Mohsen (2003), Geographical Survey of Crimes in Tehran, Doctoral Dissertation, Tehran University, Faculty of Geography.
- Kozer, Lewis (1996), The Life and Thought of the Elders of Sociology, translated by Mohsen Solati, Scientific Publishing.
- Coen, Bruce (1981), In an Introduction to Sociology, Translated by Mohsen Solati, Tehran: Farhang Contemporary Publishing.
- Kennia, Mahdi (1994), Criminology Foundations Volume II, Tehran: Tehran University Press.
- Kay Nia, Mehdi (2000), Foundations of Criminology. Tehran University Press, Fourth Edition, 2000, p. 469.
- Kay Nia, Mehdi (2005), Criminal Psychology, Growth Publishing.
- Kiya Nia, Mahdi (2007), in Criminal Sciences and Criminal Sociology, University Press, Tehran.
- Kay Nia, Mahdi (2007), Criminology Foundations, Volume I, Tehran, University Press, 10th Edition
- Marshall, Catherine and Gretchen. B. Basman (1998), Qualitative Research Method, Translated by Ali Parsayian and Dr. Seyed Mohammad Arabi, Tehran: Office of Cultural Studies.
- Modus, Atoosa (1983), Crime, Violence and Sense of Security in Public Townships, Journal of Social Welfare Research, vol. 6, No. 2. 11-82.
- Statistics Center of Iran (2009), Statistical Yearbook of Tehran, Tehran: Iran Statistics Center.
- Morgaghi Torqabeh, Mohammad (1998), An Effective City Policies on Prevention of Crimes, Tehran: Shahid Beheshti.
- Mazzulaman, Reza (1353), Criminology, Tehran, Khorrami, Volume II, p. 21
- Opponents, Reza (1356), General Criminology, Tehran, Tehran University, p. 181
- Social Deputy of NAJA (2009), Tehran Police Command.
- Maleki, Mehdi (2010), Geography, Crime, Boom, Tehran: Danesh Publication.
- Momtaz, Farideh (1973), City Sociology, Public Joint Stock Company.
- Mousavi, Mirstar Sadr (1999), Urban Planning in Iran, University of Science and Technology, Third Edition.
- Nabavi, Abdolhossein (1995), Investigating the Socioeconomic Factors Affecting the Prevalence of Urban Crime in Ahvaz, Thesis of Ph.D. in Tehran University.
- Najafi Abrandabadi, Ali Hossein, Hamid Hashembeigi (1998), Criminology Encyclopedia, Tehran, Shahid Beheshti.
- Hadipour, Halima (1999), Investigation of the boundaries of the districts of the 1st municipality of Tehran, Master's thesis, Tehran: Islamic Azad University of Tehran.
- Weisberg, Herbert, Brown, Broussy (1899), in the study of data scrolling and analysis, translation by Jamal Abedi, Academic Center.

#### **Latin Refrences**

- Anselin lue(2000) Spatial Analsis of crime. national of justice from the 2- Anselin lue(2000) Spatial Analsis of crime. national of justice from the World Wide Web ; www.nij.com.216
- World Wide Web ; www.nij.com.213
- Brown Laure (2000) Geography of crime. university of Wollongong.www.geogs242.com. 2
- Ford, R (1998), The Razors Edge”, the Boston Globe Magazine.
- Gelea, S. A. Karpati and B. Kannedy (2002). “Social Capital and Violence in the United States, 1974-1993”. Social Science & Medicine, 55. (8).: 1373-1383.

- Hirschi, T. (1969). Causes of Delinquency, Berkeley: Berkeley & Los Angeles, University of California Press.
- Edwards, Robyn. (2002)..Violence Against Women and Crime Prevention, University
- Hirschi, Travis (1969),causes of delinquency,Berkeley and los angeles:university of California press.
- Paolo Buonanno, Daniel Montolio. T. (2008). Identifying the socioeconomic and demographic determinants of crime across spanish provinces, International Review of law and Economics-28, PP89-97
- Ackerman, W. V. & Murray, A. T. (2004) "Assessing spatial patterns of crime in Lima", Ohio. Cities, 21(5), 423-437. doi:10.1016/j.cities.2004.07.008
- Luo, X. (2012) Spatial Patterns of Neighbourhood Crime in Canadian Cities: The Influence of Neighbourhood and City Contexts, A thesis presented to the University of Waterloo for the degree of Master of Science in Geography, Waterloo, Ontario, Canada, 2012. <http://etd.ohiolink.edu/>
- Ratcliffe, J. h. (2004) "The hot Spots Matrix: A Fram Work for the Spatio- Tem- Poral of Crime Reduction". Police Practice and Research, 5(1), 23-5.doi: 4260.42000191305/156/10.180.
- Weisburd, D. Bruinsma, J.N. G. & Bernasco, W. (2009) Units of Analysis in Geographic Criminology: Historical Development, Critical Issues, and Open Questions In David Weisburd, Wim Bernasco, Gerben J. N. Bruinsma (Eds.). Putting Crime in its Place. London: Springer Science+Business Media.

